

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره هفتم - مهر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۳

بررسی سبک‌شناسی اشعار ادیب نیشابوری

(ص ۴۵-۲۳)

حمید عالی کردکلایی^۲، علی ابوالحسنی^۳

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

چکیده:

اگر سبک را «انحراف از نرْم» بدانیم، یکی از شاعرانی که در عصر مشروطه دارای سبک شخصی بوده است، میرزا عبدالجواد نیشابوری، متخلص به «ادیب» است. وی در زمانی که اکثر شاعران عصرش، اشعارشان را در خدمت مردم و مشروطه قرار داده بودند، همچنان از مفاهیم کهن صحبت می‌کند. با این نگرش، میتوان ادیب را به علت دل‌بستگی و آشنایی بسیار زیاد با زبان و ادب کهن فارسی و عربی، تقلید و پیروی فراوان از سبک خراسانی، خصوصاً فرخی سیستانی، شاعر دوره بازگشت دانست که در دوره مشروطه زندگی میکند اما در اشعارش به مسائل رایج عصر مشروطه نمی‌پردازد. حتی رگه‌هایی از عرفان هم در اشعار او یافت میشود، حداقل در حد استفاده از اصطلاحات صوفیانه که در شعر او بوفور بکار رفته است.

عواملی مانند انس با اشعار پیشین و مطالعات فراوان در حوزه ادب فارسی و عربی و در نتیجه استفاده فراوان از کلمات و ترکیبات کهن، کلمات غریب و نامانوس، کلمات و عبارات عربی، فراوانی اشارات و تلمیحات، بهره‌گیری وسیع از اطلاعات در علوم مختلف باعث دشواری و دیریابی اشعارش شده است.

از دیگر ویژگیها و نشانه‌های گرایش او به زبان کهن میتوان به استفاده فراوان از افعال پیشوندی، بکارگیری دو حرف اضافه برای یک متمم و استفاده از عدد و معدود، جابجایی اجزای فعل مرکب و استفاده از فرایند واجی کاهش و افزایش اشاره کرد. در سطح ادبی از تضمین و تلمیح به علت آشنایی با علوم مختلف و زبان عربی، بیشتر بهره برده و از تشبیه و استعاره در اشعارش به میزان فراوان استفاده کرده است. از ادیب حدود پنج هزار بیت باقی مانده است که بیشتر در قالب غزل، قصیده و رباعی است.

کلمات کلیدی: سبک‌شناسی، ادیب نیشابوری، عصر مشروطه، ویژگیهای ادبی، ویژگیهای فکری

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (hamidalui@mpnu.ac.ir)

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (Ali.abolhasani@pnu.ac.ir)

A study of the stylistics of Adib Neyshabouri's poems

Hamid Ali Kordkalei¹, Ali Aboulhasani²

Abstract:

Mirza Abdul Javad Neyshabouri, nicknamed "Adib", is one of the poets who had a personal style during the constitutional era. He continues to speak of love and affection as most of the poets of his day put their poems at the service of the people and the constitution. With this attitude, Adib can be considered an imitator and follower of Khorasani style, especially Farrokhi Sistani, the poet of the return period, who lives in the constitutional period but in his poems to issues due to his great attachment and familiarity with the ancient Persian and Arabic language and literature. It is not common in the constitutional age. Even traces of mysticism can be found in his poems, at least to the extent of using the Sufi terms used extensively in his poetry.

Factors such as familiarity with previous poems and numerous studies in the field of Persian and Arabic literature and as a result the abundant use of ancient words and combinations, strange and unfamiliar words, Arabic words and phrases, abundance of allusions and allusions, extensive use of information in various sciences make it difficult. And it's been a long time coming.

Other features and signs of his propensity for the ancient language include the use of prepositional verbs, the use of two additional letters for a complement, and the use of numbers and few, the shifting of compound verb components, and the use of the vowel process to reduce and increase. At the literary level, he has benefited more from the guarantee and allusion due to his familiarity with various sciences and Arabic language, and he has used metaphors and metaphors in his poems to a great extent.

Keywords: stylistics, Adib Neyshabouri, constitutional era, literary features, intellectual features

1 - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran (hamidalui@mpnu.ac.ir)

2 - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran (Ali.abolhasani@pnu.ac.ir)

۱- بیان مساله

در دوران معاصر، تحول اجتماعی مهمی که توانست تفکر و در نتیجه سبک را تغییر دهد، نهضت مشروطه بود. نهضت مشروطه، ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان را دگرگون کرد تا بحدی که ذهن و زبان ایرانیان را تحت تاثیر قرار داد و حتی در نگاه و اندیشه و دیگر شئون اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی جاری شد و به حوزه شعر و ادب نیز راه یافت و بر قالب و محتوای شعر نیز تاثیر گذاشت. در این عصر «نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون دگرگون شد و از کلی نگری و ذهنیت، به جزئی نگری و عینیت گرایید. (چون سبوی تشنه، یاحقی: ۱۸)

شاعران دوره مشروطه را براساس صورت و محتوای شعرشان و دوری و نزدیکی به سنتهای پیشین شعر و همچنین براساس میزان حضور شعرشان در نهضت و یا حضور نهضت در شعر آنها دسته‌بندی کرده‌اند. (ر.ک: نخستین کنگره نویسندگان ایران، علی اصغر حکمت: ۳۴-۳۵. سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین پور: ۳۱۶/ ادبیات نوین ایران، آژند: ۶۹-۷۵ و ۳۴۰/ با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۴۶-۳۴۷) در اکثر این دسته‌بندیها، ادیب نیشابوری همراه با ادیبان دیگر (ادیب پیشاوری و ادیب الممالک فراهانی) در دسته‌ای قرار می‌گیرد که حاضر به کوچکترین انحراف در اصول و میراث‌های شعری گذشتگان نبودند و آرمان‌های سیاسی و اجتماعی مشروطه را با تکیه بر سنتهای کلاسیک شعری در اشعار خود وارد کردند. شفیعی کدکنی و یاحقی، ادیب را جزو شاعران «حاشیه مشروطیت» و «جناح برزخ» میدانند که اگرچه در عصر مشروطیت زیسته‌اند ولی به علت «پای‌بندی بیش از حد آنان به سنتهای قدمایی»، «خصلت مشروطگی» یا رنگ و بوی مشروطیت در شعرشان بسیار کم است. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۴۶-۳۴۷/ چون سبوی تشنه، یاحقی: ۵۵)

به علت وجود این دسته‌بندیها و قرار گرفتن در حاشیه مشروطیت، طبیعی است اشعار و ارزش تاریخی دیوان ادیب، مهجور باقی بماند. دومین عامل مهجور ماندن اشعار ادیب این نکته است که وی در میان اهل ادب، بیشتر از شاعری، به «استادی» و «ادیب» بودن مشهور است «یکی از وجوه اهمیت ادیب، تاثیری است که از طریق تربیت شاگردان نام‌آور و صاحب‌نظر در ادب و فرهنگ معاصر ایران بر جای گذاشته است. (چون سبوی تشنه، یاحقی: ۵۷/ دیوان ادیب نیشابوری، مقدمه جلالی پندری: ۴۶) شفیعی کدکنی نیز «هسته مرکزی دانشکده‌های ادبیات در تاریخ فرهنگ ایران» را حلقه درس او میدانند. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۴۴۴) سومین عاملی که باعث شده محققان در مورد اشعار ادیب و امثال او کمتر بیندیشند و تحقیق کنند، تقلید وی از شاعران گذشته و به حساب آوردن وی در شمار شاعران بازگشت و زبان شعری خاص او در عصر مشروطه است؛ زبان شعری پیچیده، دیرپاب و گاه خشک و بی‌روحی که به علت استفاده از لغات و ترکیبات کهن فارسی و عربی، استفاده

فراوان از اشارات و تلمیحات و همچنین وارد کردن اطلاعات گسترده علوم مختلفی چون نجوم و فلسفه و ... در شعر حاصل شده است. اما در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است و هدف اصلی آن بررسی اشعار ادیب در سه سطح فکری، زبانی و ادبی است، به بررسی ارزش ادبی و سبک‌شناسی اشعار ادیب خواهیم پرداخت.

۱-۱- روش تحقیق

این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در کتب و مقالات بسیاری، مطالبی درباره ادیب نیشابوری آمده که تقریباً همگی در خصوص زندگی شخصی و مقام علمی وی نگاشته شده است و درباره ویژگیهای اشعارش مطلبی بسیار اندک در خلال آنها دیده میشود. نوشته‌هایی مانند: *از صبا تا نیما*، (۱۳۵۰) یحیی آرین پور، جلد دوم صص ۱۹-۲۰ / *ادبیات معاصر ایران* (۱۳۱۶) رشید یاسمی، صص ۱۴-۱۵ / *مقدمه بر لالی مکنون*، (۱۳۳۳) عباس زرین قلم، صص الف-ف / *تاریخ رجال ایران* (۱۳۴۷) بامداد، مهدی، تهران: زوار. / *سخنوران نامی معاصر* (۱۳۳۶) برقی، سید محمد باقر، تهران: امیرکبیر / *دانشوران خراسان* (۱۳۳۶) ریاضی، غلامرضا؛ مشهد: کتابفروشی باستان / *صد سال شعر خراسان* (۱۳۷۳) گلشن آزادی، علی اکبر؛ مشهد: آستان قدس رضوی / *استاد ادیب نیشابوری* (۱۳۵۴) ادیب نیشابوری، محمدتقی؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال یازدهم، شماره دوم: صص ۱۶۵-۱۵۷ / *ادیب نیشابوری* (۱۳۰۵) اشراق خاوری، عبدالحمید؛ مجله ارمان، سال هفتم، شماره چهارم: صص ۲۳۴-۲۴۵ / *مجله یادگار*، (بهمن و اسفند ۱۳۲۷)، (بدیع الزمان فروزانفر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۱۳۳-۱۳۵) / *احوال و روش تدریس ادیب نیشابوری* (۱۳۴۱) عنبرانی، ابراهیم؛ نشریه فرهنگ خراسان، سال چهارم، شماره ۷ و ۸: صص ۵۷-۶۴ و دوره سوم، شماره ۳ و ۴، آذر ۱۳۳۹ صص ۶-۹؛ / *خاطره‌ای از مرحوم ادیب نیشابوری* (۱۳۴۵) عنبرانی، ابراهیم؛ نشریه فرهنگ خراسان، دوره ششم، شماره پنجم: صص ۳۵-۳۷ / *خاطرای از ادیب نیشابوری* (۱۳۵۴) فرخ خراسانی، محمود؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال یازدهم، شماره دوم: صص ۱۶۶-۱۶۸ / *سخنرانی درباره ادیب نیشابوری* (۱۳۳۶) گلشن آزادی؛ روزنامه آزادی (مشهد) شماره ۳۲۵۶ / *بزرگان خراسان*، ادیب نیشابوری (۱۳۳۲) مجتهد زاده، علیرضا؛ مجله نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ششم، صص ۲۶۷-۲۶۹ / *بزرگان عصر*، ادیب نیشابوری (۱۳۰۵) مشکان طبسی، سید حسن؛ مجله دبستان، سال دوم، شماره دوم: صص ۵۴-۵۹ /

۲- معرفی ادیب نیشابوری و آثار وی

میرزا عبدالجواد نیشابوری، فرزند ملاعباس، متخلص به «ادیب» در سال ۱۲۸۱ هجری قمری در روستای «بیژن گرد» نیشابور متولد شد و در کودکی چشم راست و قسمتی از چشم چپ خود را به علت بیماری آبله از دست داد و با این همه، علوم مقدماتی را در همانجا تحصیل کرد و در سال ۱۲۹۷ برای علم اندوزی بیشتر به حوزه پر رونق مشهد سفر کرد و در مدرسه «خیرات خان» و «فاضل خان» و «نواب مشهد» مشغول تحصیل شد. آنگاه در مدرسه نواب حجره گرفته و پس از مطالعه و تحقیق و احاطه بر دانشهای رایج روز در همان مدرسه مشغول تدریس شد. او بیشتر معلومات خود را از راه مطالعه کسب کرده و کمتر شاگردی نموده و در اثر مطالعه و ممارست، اطلاعات تاریخی و ادبی اش بحدی بود که موجب شگفتی دیگران می شد. محفوظات او از نظم و نثر عربی و فارسی به اندازه ای بود که کمتر کسی به آن پایه رسیده است. او تمام قاموس و برهان قاطع را از حفظ داشت و بیش از دوازده هزار بیت از اشعار عرب جاهلی را به خاطر سپرده بود. در وسعت دامنه اطلاع در ادب عربی و فارسی و لطف تقریر و بین تعبیر به تعبیر استاد فروزانفر «یکی از عجائب این عهد» بود. (برگهایی در آغوش باد: یوسفی: ۸۸۹) ادیب تا پایان عمر مجرد زیسته و جز به افزودن به معلومات و ذخایر ادبی به چیز دیگری نمی پرداخته است. غالباً محضرش از جوانان جستجوگر پر بوده و بیشتر فضایی خراسان از محضر او استفاده کرده اند. ادیب ۶۳ سال زندگی کرده و وفاتش در صبح جمعه پانزدهم ذی قعدة ۱۳۴۴ هجری قمری مطابق ششم خرداد ۱۳۰۴ اتفاق افتاده است. (لالی مکنون: ز)

دیوان ادیب مشتمل بر حدود پنج هزار بیت قصیده و غزل و رباعی با عنوان «لالی مکنون» به کوشش عباس زرین قلم چاپ شده است. (از صبا تا نیمه آبرین پور، ج ۲: ۱۹) اما یدالله جلالی پندری در کتاب خود «زندگی و اشعار ادیب نیشابوری» تعداد ۱۱۸۹ بیت از اشعار ادیب را صحیح دانسته است. آثار دیگری از ادیب در دست نیست جز این که تقریرات او در مورد «شرح معلقات سبع» و تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابی تمام و یک رساله در جمع بین عروض فارسی و عربی در بین شاگردان و ارادتمندان وی نامبردار بوده؛ اما هیچکدام به طور مستقل به چاپ نرسیده است. (از بهار تا شهریار، محمدی: ۱/ ۱۶۷ و چون سبوی تشنه، یاحقی: ۵۷/ خطابه ادبی، بامداد: ۴۶) از ادیب دو مقاله زیر نیز در مجلات ادبی به چاپ رسیده است: **تاریخچه گرگان** (۱۳۰۵) مجله دبستان، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۵۶-۱۶۴ / **شعر گفتن و شناختن** (۱۳۰۱) مجله دبستان، سال اول، شماره اول، صص ۳۲-۳۵

۳- نگاهی به قالبهای شعری دیوان ادیب

ادیب نیشابوری اگرچه در عصر مشروطه زندگی میکند، اما پرورده مکتب شعری است

که در تاریخ ادبیات فارسی به مکتب بازگشت یا دورهٔ تجدید حیات ادبی شهرت یافته است. ویژگی بارز این مکتب، پیروی از سنت‌های شعری استادان قدیم بود و ادیب نیشابوری یکی از آخرین شاگردان این مکتب است که از میان انواع شعر بیش از همه به غزل و قصیده تمایل دارد. شفیعی کدکنی، غزلیات ادیب را تقلیدی از غزل صفای اصفهانی می‌داند. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۹۶) شکل کلام در غزلیات ادیب، پخته و استوار است ولی نکتهٔ بدیعی در آنها به چشم نمی‌خورد. اصولاً غزل عصر مشروطه، غزلی «بی‌نهایت مبتذل و تکراری» است، «به حدی که هیچ حالت عاطفی خاصی برای اولین بار نمیتوان یافت که در غزل این دوره مطرح شده باشد یا شاعر به بیان تصویری و نکته‌ای بپردازد که در غزلش تازگی داشته باشد. (همان: ۹۶)

قصاید وی نیز تقلیدی از قصاید سبک خراسانی خصوصاً قصاید فرخی است. ادیب در مورد اشعار سبک خراسانی مینویسد: «به اعتقاد ما سخن این اوستادان باستان (شعراى عصر سامانی و غزنوی) در اعلی درجه است و هرکس هم از متاخرین قادر به اقتفاء آثار آنان باشد، اول شاعر است.» (شعر گفتن و شناختن، عبدالجواد ادیب نیشابوری: ۳۴) البته ادیب در دوران شعری خود، چندین بار اسلوب خود را آگاهانه عوض کرده است و این نشان دهندهٔ توجه او به مسألهٔ سبک است. در جوانی شیفتهٔ قائلانی بوده و بعدها به اسلوب فرخی و منوچهری و گاه سعدی متمایل میشود. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۵۴) چون سبوی تشنه، یاحقی: ۵۷-۵۸ / از صبا تا نیما، ج ۲: ۱۹) این تغییر سبک توسط او، گواه و سند مهمی برای توجه و شناخت سبکهای گوناگون توسط وی است. حتی بهار، تربیت سبک شناسی خود را مرهون ادیب نیشابوری میدانند. (سبک‌شناسی، بهار: یب) پروین گنابادی نیز در این مورد مینویسد: «وی دربارهٔ سبک شعر فارسی و عربی تبحر بسیار داشت و خصوصیت دقیق سبکهای خراسانی و عراقی و هندی را با ذکر شواهد گوناگون یاد می‌کرد.» (مدارس قدیم و شیوهٔ تدریس آنها: محمد پروین گنابادی: ۱۶۳)

جدول قالبهای شعری مورد استفاده در اشعار ادیب نیشابوری

قالب	غزل	قصیده	قطعه	رباعی	ترکیب‌بند	مسمط	اشعار عربی	ابیات پراکنده
تعداد	۴۷	۱۰	۱	۱۹	۳	۱	-	-
تعداد ابیات	۵۹۷	۳۳۳	۱۸	۳۸	۱۵۶	۲۶	۱۱	۱۰

۴- بحث و بررسی

۴-۱- مو ضوعات و م ضامین: شفیعی کدکنی شعر ادیب را به لحاظ حوزهٔ معانی و صورخیال، فاقد ارزش میدانند. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۴۹) به هر حال

موضوعات زیر در اشعار وی مشاهده شد:

موضوعات	عشق	عرفان	مدح	مضامین اجتماعی - انتقادی	مفاخره	اشاره به علوم
درصد	۶۵٪	۱۴٪	۵٪	۲٪	۱۱٪	۴٪

***وصف عشق:** ادیب در غزلها و خصوصاً تغزلهای خود از فرخی تقلید میکند^۱، بنابراین معشوق در غزل وی، مذکر و همان معشوق «ساده روی» و «ترک^۲» در اشعار فرخی با همان حال و هوای اشعار اوست و مطلب و نکتهٔ جدیدی ندارد: به سر امید وصال پسری بود مرا (۱۳۱)، روز جشن سده است، ای پسر ماه نژاد (۱۸۷) پیر چونین را، چونان پسری شایسته است (۱۹۲)، ای پسر! ما و تو امروز به همدستی هم... (۱۹۶)، تو مرا نقل دهی، می دهی و بوسه دهی (۱۹۶) مرنج اگر، چو پسر را پدر، تو را بوسم (۲۰۹) ترک من! ای کودک کناری و بوسی (۲۱۵)

***عرفان:** در دورهٔ مشروطه فقط در اشعار ادیب نیشابوری، میرزا حبیب خراسانی و صفای اصفهانی اشعار عارفانه وجود دارد، صفای اصفهانی مشروطیت را درک نکرده و میرزا حبیب خراسانی ضمن تایید مواضع مشروطه، به دلیل عملکردهای ناصحیح تندروان انقلابی، حالتی قهرآمیز با مشروطه داشته است. ادیب را نمیتوان عارف دانست، او تنها شاعری است که از مصطلحات صوفیانه به وفور در شعرش استفاده میکند، بی آنکه سلوک ویژهٔ عارفانه‌ای داشته باشد، بنابراین عرفان او عرفان عملی و تجربی نیست. «رگه‌ای از گرایش عرفانی، بیشتر در هیات استفاده از مصطلحات عارفانه در شعر وی وجود دارد، نه یک عرفان ناب و عملی؛ بلکه خود نوعی توجه به ظاهر عارفانه و به منظور غنای صوری شعر، انجام پذیرفته است. (چون سبوی تشنه، یاحقی: ۵۵): وصول و خلسه و جذب و طلب چیست؟ (۱۳۶) پیرم و قطب و ولی ازلی و ابدی (۱۵۹) کی غبار تن حجاب جان بود ما را؟ (۱۶۴) گردن «لا» شان به شمشیر «بلی» باید زدن (۱۷۲) در مذهب عشق، کفر و اسلام یکی است (۲۳۰) و... شفيعی کدکنی، عرفان ادیب را «نوعی فرمالیسم» در معنی «سودجویی از ابزار اصطلاحات عرفانی برای غنای صوری شعر» میدانند و معتقد است ادیب به علت مطالعه و تدریس فصوص الحکم

۱- ادیب در شش مورد غزلیات و قصاید خود را به تقلید و استقبال از اشعار فرخی سروده است و در چهار بیت، اشعار وی را تضمین کرده است.

۲- ترکان حصار (۱۳۱)، کودک ترک (۱۳۲)، ترک پسر (۱۸۸) ترک یغمایی (۲۰۱)، ترک لشکر شکن (۲۰۵)، ترک چشم (۲۰۸) و...

ابن عربی، اصطلاحات زیبایی عرفان محی‌الدینی را وارد شعرش کرده است.^۱ (با چراغ و آینه، شفیع کدکنی: ۳۵۰) یا حتی نیز علاوه بر تأیید نکته فوق، هنر ادیب را در تلفیق زبان فاخر و استوار خراسانی با مفاهیم عرفانی معرفی میکند. (چون سیوی تشنه، یاحقی: ۵۶) همچنین در سرودن اشعار عارفانه‌اش، اشعار صفای اصفهانی را مد نظر داشته‌است.^۲ بیشترین اصطلاحات عرفانی در غزلی است که ادیب آنرا «غزل الهی» می‌نامید با این مطلع:

من که پا بست دام بلایم، دست فرسود رنج و عنایم
پادشاه زمین فنایم، خسرو آسمان
بقایم (۲۲۲)

و شطح معروف وی در همین غزل است: **لیس فی طیلسانی سوا هو، من خدا، من خدا، من خدایم (۲۲۶)**

یکی از واژه‌ها عرفانی که بسامد بسیار زیادی در اشعار وی دارد، واژه «هو» است: هو بود مقصد و مطلب من، هو بود مذهب و مشرب من (۲۲۴) من نیم، هرچه هستم بود هو (۲۲۶) / ما و تو هو: هوست، وین های و هو هم ازوست (۱۶۸) و... در اشعار ادیب گاه طعنه و تعریضی به زاهد و شیخ و... دیده میشود: ما را نبود کاری با زهد و مینویش (۱۷۴) مده ای فقیه پندم، که به پند تو بخندم (۱۸۰) ای شیخ تو را چه با من و با کیشم؟ (۲۳۲) و...

***مضامین اجتماعی و انتقادی:** ادیب جزو آن دسته از شاعرانی است که در عصر مشروطه می‌زیستند درحالی‌که «حال و هوای آن روزگار در شعرشان نمود چندانی ندارد... و قاعده شعرشان بر اساس سنت است و مواردی که گاه از نظر وزن یا موضوع و حال و هوا متمایز مینماید، اندک و استثناست، نه قاعده» (سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین‌پور: ۳۱۵) وی در طول زندگی خود شاهد وقایع بیشماری مانند تحریم تنباکو، دخالت‌های گوناگون روس و انگلیس در کشور و امتیازات گوناگون خصوصاً قرارداد ۱۹۰۷، به توپ بستن گنبد حرم امام رضا(ع)، شروع جنگ جهانی اول و اشغال ایران، کودتای سید ضیاءالدین طباطبایی و انقراض قاجار، کشته شدن کلنل محمدتقی پسپان و تاجگذاری رضاخان بوده است اما برخلاف بسیاری از شاعران بزرگ این دوره، خود را از مسائل سیاسی و اجتماعی روز برکنار داشته است؛ زیرا به سبک و روش قدما شعر می‌سروده و همان مضامین را در سر می‌پرورانده؛ گویا از اجتماع و اوضاع سیاسی آن بی اطلاع بوده است.

۱- شارق فیض مقدس (۱۷۱)، فیض اقدس، ذات مقدس، ناطق سبع المثنائی، (۱۷۰) و...

۲- ادیب در شش مورد از اشعار صفای اصفهانی استقبال کرده است.

شعر ادیب، «شعر غیر سیاسی و حاشیه نشین» (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۵۹) است و با توجه به زمینه فکری او که تربیت یافته مدارس حوزوی است و با توجه به اینکه در تمام عمر در حجره مدرسه مشغول تعلیم و تعلم بوده، نمیتواند بیانگر زمینه‌های اجتماعی باشد، زیرا که با جامعه خود کمترین تماسها را داشته‌است و زندگی مجردانه و قناعت طبعی که به اندک ناچیز از زندگی راضی بوده، باعث شده که فشارها و تنگناهای زندگی و معیشت مردم عصر خود در شعرش انعکاسی نداشته باشد. «اگر هم ادیب علاقه‌ای به حوادث و سیر وقایع پیرامون خود داشته‌است هرگز این اجازه را به خود نمی‌داده که برخلاف بسیاری از معاصران خود، پا از حیطة سنتهای ادبی سبک خراسانی بیرون گذارد و چیزی بگوید در جهت مقابل سنتها. شعر ادیب آینه تحولات زندگی خودش هم نیست تا چه رسد به زندگی پیرامون خود. (زندگی و اشعار ادیب نیشابوری، جلالی پندری: ۹۵) اما شور و شوق اجتماعی مشروطه در حد خود چنان گسترده و همه‌جانبه بود که ادیب را نیز تحت تاثیر قرار داد، اگرچه «در موارد نادری که نشانه‌هایی از مشروطیت در اشعارش دیده میشود، شعر وی از تاثیر لازم برخوردار نیست. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۵)

ادیب در قطعه‌ای که بعد از فرار محمدعلی شاه به سفارت روس و اعلام تاجگذاری احمدشاه و در مورد فتح تهران سروده، با همان الفاظ و تعبیرات سنگین عربی‌مآبانه، شور و شوق خود را نشان داده و به ویرانی کاخ ستمگر (محمد علی شاه) اشاره دارد: منت ایزد را که خاک پاک ایران عاد قذافته و العود احمد (۲۲۷-۲۲۸)

غیر از این قطعه که در حال و هوای غرورانگیز پیروزی مشروطه سروده شده، قصیده‌ای در دیوان او موجود است که در آن بعد از تغزل و یادآوری شاعران و ممدوحان گذشته، به ویرانی کشور افسوس می‌خورد و به قول نویسنده کتاب از صبا تا نیما، تنها شعر سیاسی ادیب است که درباره قرارداد معروف و منحوس ۱۹۰۷ انگلیس و روس و تقسیم ایران به مناطق نفوذ آنان است. (آرین پور، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۵۰) الفاظ و تعبیرات این قصیده ۷۹ بیتی نیز بیشتر عربی و موثر از آن زبان است و محتوای آن نازش به افتخارات گذشته باستانی ایران و نیز طعنه بر غریزدگی و فرنگی‌مآبی رایج روز و فراموش شدن اصالت‌های فرهنگی اسلامی است. حالت یاس و بدبینی که نتیجه انحراف اصول مشروطه در این قصیده دیده میشود:

که گمان داشت که بنگاه فریدونی را از چپ و راست کند دشمن چونین تقسیم
کی روا بود که رامشگه نوشروانی از چپ و راست، ز دو پهلو گردد به دو نیم. (۱۹۹)
در یک رباعی هم به سرکوب شیخ خزعل توسط رضاخان اشاره کرده است. (۲۳۰)

***مدح** : از آنجائیکه ادیب در قصایدش از شاعرانی چون فرخی تقلید میکند، بناچار باید در قصایدش بعد از تخلص، از مدح استفاده کند. اما چون شاعر مداحی نبود، بنا به گفته بامداد، بعد از تخلص، در ادامه قصایدش باز میماند: «اغلب بر همان سبک خراسان باستان، قصیده

را از تغزل آغاز و بعد تخلص، و آنوقت مطلبی که داشتند منظوم می‌داشتند ولی غالباً در تخلص گرفتار می‌شدند زیرا شاعر مدیحه‌سرا نبودند!« (خطابه ادبی، بامداد: ۴۸) با این وجود، وی چند بار اشعارش را در خدمت مدح قرارداد است. در قصیده‌ای با مطلع زیر به ستایش مظفرالدین شاه پرداخته است: تا دل به مهر روی توام زنده است / بختم هماره فرخ و فرخنده است (۱۸۶) و قطعه‌ای با مطلع زیر در مورد مشروطیت که در اواخر آن احمدشاه را مدح گفته: منت ایزد را که خاک پاک ایران / عاد ما قد فاته و العود احمد (۲۲۷) و در قصیده‌ای با مطلع زیر «ابوالفتح» نامی را مدح گفته است: امر علی رسم ربع الحباب / و ابکی علیه بکاء السحاب (۱۸۲) همچنین ترکیب‌بندی در مدح علی بن ابیطالب سروده است اما فقط ابیات آخر هر بند در مدح است و باقی ابیات به موضوعاتی مانند عشق و حدیث نفس اختصاص دارد. (۲۱۷-۲۲۱) همچنین در قصیده دیگری با مطلع: روز جشن سده است، ای پسر ماه نژاد / می به آیین فریدون دهو جمشید و قباد (۱۸۷-۱۹۰) همچنانکه از بیت نخست مشخص است در خصوص عشق مجازی صحبت کرده و تنها چند بیت پایانی را به مدح امام خراسان اختصاص می‌دهد.

***مفاخره:** اطلاعات علمی فراوان در کنار انزوا، عزت نفس و مناعت طبع، ادیب را به غرور و خودستایی سوق داد؛ ادیب در اشعارش، مکرر خود را «ادیب الکلی» می‌خواند (۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۰۳، ۲۲۸) و «ادیب فحل» و «سخنور طوس» (۲۰۹)، «ادیب کامل» (۱۸۰) و «ادیب الثری و السما»، (۲۲۶) ادیب الادبا (۱۲۸) و در جایی خود را بعد از سعدی در سخن‌وری بعد از سعدی میدانند:

کرد خاموش تا خزان جهان، عندلیب حدیقه شیراز / طبع پرورد در بهار سخن، عندلیبی چو من سخن پرداز (۱۵۲)

زین سپس آید هر شاعر استاد ادیب / به نخست استادی، نام تو را یاد کند (۱۴۶)

اوستاد همه فن بوده و هستیم ادیب / با همان نام و همان شوکت و شانیم هنوز (۱۵۳)

زی ادیب آی و بیاموز هنر نز دگران / که ندانم به هنرمندی او را انباز (۱۹۲)

مطلعی سرزد ز طبعم، کز فروغ او رواست / پایه شعر ار به رتبت برتر از شعرا ز نیم (۲۱۸)

شعر ما در رتبت ز شعری اگر بر شد رواست / تا که دم از مدحت شاهنشاه اعظم ز نیم (۲۲۰)

***آشنایی با علوم:** ادیب در علوم مختلف مانند ادب و لغت فارسی و عربی استاد بود و آگاهی‌های زیادی در زمینه تاریخ عربی فارسی داشت؛ شعر ادیب نیز بیانگر وسعت معلومات ادبی و علمی و محفوظات فراوانی است که نشان از حافظه قوی و هوش سرشار وی دارد. بنابراین وی با تبحر فوق‌العاده در زبان و ادب فارسی و عربی و تسلط بر علوم مختلفی چون تاریخ و قصص و نجوم و فلسفه و... اشعارش را با چنین دانشهایی آمیخته است. «در حکمت الهی و طبیعی نیز مهارت تامه داشت و غالباً در آراء و مذاهب تابع حضرت صدرالمتلهین

شیرازی بود و در نجوم و هیئت قدیم و حساب و جبر و مقابله و هندسه به آیین پیشینیان حظی وافر دارا {بود} و در طب علمی و فقه و اصول و علم حدیث و رجال بهره کافی داشت و از موسیقی نیز جمله‌ای باخبر و بالجمله به اکثر از علوم متعارفه در عصر خویش ید طولی و مقامی عالی را حایز بود.» (ادیب نیشابوری، اشراق خاوری: ۲۳۷) در ترکیب بندی به قواعد بازی آس اشاره میکند: (۲۱۳-۲۱۳) و دیوانش مملو از اصطلاحات علوم مختلف است: بی کم و کیف و این و متایم (۲۲۵) سرّ تجرید ز ما پرس نه ز اسفار (اسرار) و شفا (۱۳۰) ز قانون و ز اسباب، اشارات و شفا را (۱۲۸) ده خرد (۱۶۶) سرشت اسطقسی (۱۷۲) چهار اسطقس، نه آسمان (۱۶۸) ده روابط (۱۶۹) وی مطرب لاهوتی! چون زیر زدی، بم زن (۱۷۳)، با بم و زیر رباب و نغمه ارغن (۲۱۷)، ساز جان جز به نوای تو ندارد آهنگ (۱۹۳)، جدی آمد گزک می را ده ران حمل / ای تو را چهره بهاران و دو گیسو میزان (۲۰۲)

۴-۲- موسیقی بیرونی: وزن

یکی از امتیازات خاص اشعار ادیب، اوزان خاص و نادر اشعار وی است. شفیعی کدکنی پس از شمردن موارد صورتگرایی ادیب، (۱- جستجوی اوزان تازه یا اوزان خوش‌آهنگی که رواج چندانی ندارند. ۲- استفاده از قوافی داخلی ۳- توجه به هندسه ترکیب الفاظ بر شیوه قدما (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۵۱-۳۵۳) دیوان وی را با وجود حجم بسیار کوچکی، به لحاظ تنوع اوزان در عصر خود، کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر معرفی میکند (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۵۲) و در ادامه امتیاز خاص مشترک اشعار ادیب و صفای اصفهانی را وارد ساختن اصطلاحات صوفیانه محی‌الدینی در زبان فاخر و استوار خراسانی قدیم، همراه با موسیقی تازه‌ای- از لحاظ عروض و قافیه‌های میانی- بیان میکند. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۵۰) این نکته‌ای است که ماهیار و یاحقی نیز بدان اشاره کرده‌اند. (چون سیوی تشنه، یاحقی: ۵۶ / عروض فارسی، ماهیار: ۶) همچنین، شفیعی کدکنی پس از بررسی «افسانه» نیما، وزن آن را «وزنی مترنم و خوش» میدانند که «قبل از نیما فقط دو شاعر ادیب نیشابوری و حبیب خراسانی از آن استفاده کرده بودند.» (ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ۱۱۰) / با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۴۹) ادیب همچنین در مواردی به اوزان اشعارش اشاره کرده‌است:

فاعلاتن، فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن هر زمینی با طراز تازه و طرزی عجیب (۱۵۴)
 مستفعلن فعلن، مستفعلن فعلن در قبض و بسط سخن، ما بر خلیل سریم (۱۶۹)
 مستفعلن فاعلن فعول مستفعلن فاعلن فعول مومن من قد تعرّییم، منکر من قد
 تفرّسیم (۱۷۰)

فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن امل «ادیب» کامل بود آیت خدایی (۱۸۰)

جدول اوزان مورد استفاده در اشعار ادیب

نام بحر	رمل	هزج	مجتث	مضارع	خفیف	رجز	مقارب	منسرح	سریع	مقتضب	متدارک
درصد	٪۳۹/۲۹	٪۲۰/۰۲	٪۱۶/۴۸	٪۱۲/۰۱	٪۴/۱۷	٪۲/۷۸	٪۲/۲۵	٪۱/۸۲	٪۰/۶۴	٪۰/۳۳	٪۰/۲۱

۳-۴- موسیقی کناری: ردیف و قافیه

ردیف در اشعار ادیب، چندان دشوار نیست و سادگی ردیف در اشعار او تمایل وی را به ساده سرودن سبک خراسانی میرساند. ردیفهایی مانند بود، است، شد و... در دیوان ادیب، کوتاهترین ردیف، از نوع ردیف ضمیر و افعال ربطی است.

نوع ردیف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف به صورت ضمیر	ردیف به صورت ترکیبی	ردیف حرفی
تعداد	۱۵	۱	۴	۸	۳

برخلاف سادگی ردیف در شعر ادیب، قافیه در اشعار وی چندان ساده نیست و وی در بیشتر اشعار خود خصوصاً در قصایدش، واژه‌های عربی فراوانی را در جایگاه قافیه قرار داده است و شاید این خود معلول این نکته باشد که شعرای قصیده‌پرداز در سرودن قصاید، پیرو شعرای عرب بودند و چون قافیه جزء لاینفک قصاید عربی بود، شعرای ایرانی نیز در پیروی از شعرای عرب، بیشتر تحت تاثیر این عامل قرار گرفته‌اند.

***ردیف و قافیه میانی (درونی):** ادیب «بیشتر از قوافی داخلی استفاده کرده و این امر بر موسیقی شعر او در قیاس با اقران و معاصرانش افزوده است. در بیشتر قصاید و غزل‌های خوب او، هماهنگی صوری اجزای مضارع و بیت به صورت قافیه‌های میانی، همه جا دیده میشود. (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۵۲-۳۵۳)

من مالک اسرارم، من سالک اقطارم داننده ادوارم، دارنده اطوارم (۱۵۷)
خورشید شرق شهود هو، سرمست جام سجود هو یکباره حرف وجود هو، ما و تو و هو یکی هستیم (۱۷۰)

آن باده درغم را، درهم سپرغم را هم بوی سپرغم را بر طرف سپرغم زن (۱۷۳)
اگر وصال باید، گذر از خیال باید همه وجد و حال باید، نه گزاف و خیره‌رایی (۱۸۰)
ادیب، در ابیات پایانی، تخلص خود را با کلمات هم‌وزن دیگری چون «حبیب»، «طیب» و... به عنوان قافیه می‌آورد:

بیمار غریبم من، تبار حبیبم من ای چرخ! ادیبم من، زین بیش میازارم (۱۵۸)
نه سر پند ادیب، نه دل دید طبیب بر گل روی حبیب، زند خوان دگرم (۱۶۰)

آسوده ز آمیزش **طیب**، وارسته از پند هر **ادیب** دانیم کز دوری **حبیب**، آتشنز خود
همچو ققنسیم (۱۷۰)

در بزم **ادیب ای دل**، بر رغم **رقیب ای دل** بر روی **حبیب ای دل**، می نوش و بُن غم
زن (۱۷۴)

ادیب گاهی به مباحث شعری خصوصاً استفاده از «طرد قوافی» و «قافیه دال و ذال»^۱ اشاره کرده است:

من خطا هرگز نخواهم کرد در **طرد قوافی** (۱۵۴)، **قافیه دال شد آماده** به هم از اضداد
(۱۸۸)، **گو قافیه دال شو**، نشید دگر است (۲۳۰)، **قافیه شد ذال** ز دانای بخرد (۲۲۸)

۴-۴-**موسیقی درونی**: در اشعار ادیب، بیشتر در شکل جناس و تکرار دیده میشود:

***تجنیس**: جناسهای زاید، لاحق و مطرف بسامد بیشتری در اشعار ادیب دارند: **تام**: ساز-
ساز (۲۱۷)، داد-داد (۲۱۳)، / **مذیل**: دید- دیده (۲۳۰)، شعر-شعرا (۲۱۸) / **زاید**: دم-
دام (۲۲۱)، آذار- آذر (۲۱۸)، علی-عالی (۲۱۸)، شین-شیون (۲۱۳)، قسم-قسیم (۲۰۱)
ناز- نیاز (۱۹۳) مکان-کان (۱۵۹) تاب-تب (۱۳۸) / **لاحق** (سوی-کوی (۲۲۴)، مایه- پایه)
(۲۱۳)، روی- خوی (۲۰۴) خزان- رزان (۲۰۴)، زنگ- رنگ (۱۸۰) / **خط** (مصحف): سیاح-
سباح (۲۲۵)، بیشتر- بیشتر (۲۲۰) کتاب- کباب (۱۹۹)، / **لفظ**: ختا- خطا (۱۳۸)، طناز-
تن ناز (۱۴۸) / **شبه اشتقاق**: ثریا- ثرا (۲۲۳)، پارسی- پارسا (۱۸۰) / **ناقص** (حرکتی):
عجب- عجب (۲۲۰)، درد-درد (۲۰۳)، برد- بُرد (۲۰۳)، بُستان- بستان (۲۰۲) **مَلک**- **مَلِک** (۱۸۶)،
/ **قلب** (گُره- گهر (۲۳۱) پسر-سپر (۱۸۸) / **مرکب** (در بند- در بند (۲۳۲)، دلبر، دل بر)
(۲۳۰) / **مطرف**: آستین-آستان (۲۱۸)، مینو- مینا (۲۱۷)، دیبه- دیبا (۲۱۸)، خواجه-
خواجو (۲۱۰)، خضاب- خضیب / نصاب- نصیب / مجاب- مجیب (۱۴۴)،

۴-۴-۲-**تکرار**: در اشعار عماد، تکرار واژه ها و جملات، بسامد بیشتری نسبت به تکرار
واجها و هجاها دارند.

* **واج آرایبی**: تا که روز آید و باز آید شب از پس روز بگذرد روز و شب آید سپس روز
فراز (۱۹۳)

هر کسی را از دوست داستانی ست دگر من هم از دوست بود داستان دگرم (۱۵۹)
جهد زاهد در مجاز آخشيجانی بود و آن که من جوپای اویم در مجازی دیگر است (۱۳۴)
ترسم از دوری آن روی چو سوری روزی چون هزار، از دل پر درد برآرم آواز (۱۹۱)

۱- قدما «بیا معلوم را با بیا مجهول قافیه نمی کردند.» (معجم، شمس قیس رازی: ۲۵۵)

***تکرار واژه:** حسن حبیب و حبیب نیز نماند/ عشق ادیب و ادیب نیز نماند (۱۴۴) او اصل اصل اصیل، ما ظلّ ظلّ ظلیل (۱۶۹)، در سلسله زلفت، بس سلسله از دلهاست / آن سلسله بر هم نه، این سلسله برهم زن (۱۷۳) روی سخن، ای بت روی با روی تو دارم من (۱۷۴)، به روی خوب ز هر خوب‌روی خوبتری (۲۰۹) یک به یک را در خم آن زل خم در خم زنییم (۲۱۹)، بگذریم از جام و ساغر، خمّ خمّ و یم یم زنییم (۲۱۹)، سیم و زر بخشد به سائل، کیل کیل و مشت مشت (۲۲۱)

***رد الصدر الی العجز:** مکن چون و چرا در سخن بی سر و پایان به یکسوی فرو هل سخن چون و چرا را (۱۲۷)

از خوی تو سنگین دل، چون شکوه بی‌آغازم کاین خانه به دوشی‌ها، از خوی تو دارم من (۱۷۴)

چه از این بست و گشاد از دل من می‌خواهی زلف را خیره همی چند دهی بست و گشاد (۱۸۹)

من نیازی به تو آوردم چونان که دگر به نگاری نتوان برد بدان گونه نیاز (۱۹۳) در برخی ابیات، کلمات «صدر» را در «عجز» و «عروض» را در «ابتدا» تکرار کرده‌است:

جان فشانان بیشند در ره عشق ولی در ره عشق تو من **جان فشان** دگرم (۱۶۰)
پاینده است حسن خدادادش آری خدای دادی پاینده است (۱۸۶)

با چو من نرد خطا باختن از بی‌خردی است به خرد باز شو نرد خطا کمتر باز (۱۹۳)

***موازنه:** هر کجا زخمی است بی مرهم شفا خواهیم داد هر کجا دردی است بی درمان دوا خواهیم کرد (۱۴۳)

بر امید بخشش ن حضرت‌م تا در شربم در نوید رحمت آن حضرت‌م تا در نمازم (۱۶۱)
گردون ندیده ماه بدین رادی گیتی ندیده شاه بدین رادی (۱۷۷)

هم نه پری چنو به سخن گویی هم نه سهی چنو به سرافرازی (۱۷۸)

***طرد و عکس:** غوطه در خمّ «انا هو» «هو انا» باید زدن (۱۷۲)، بستاد و بنشست، بنشست و بستاد (۱۸۹)،

ز بلای خودستایی مگرت خدا رهند مگرت خدا رهند ز بلای خودستایی (۱۸۰)

از جهان دگرم، با زبان دگرم با زبان دگرم، از جهان دگرم (۱۵۸)

خدا را بشناسید و جزا را بهراسید شناسید خدا را و هراسید جزا را (۱۲۸)

دلّ پوشی باده نوشم، باده نوشی دلّ پوشم پاکبازی عشق ورزم، عشق ورزی پاکبازم (۱۶۱)

۴-۳-۴-سطح زبانی: از نظر ساخت فنی، یعنی زبان و موسیقی، ادیب در اشعارش، از زبان فاخر و پربلاغت گذشته که به عروض و طنین آهنگین شعر فارسی تکیه داشت، استفاده میکند. «به لحاظ انحرافی که از زبان رایج و کلیشه‌وار عصور اخیر دارد و به زبان قدمای اولیه گاه نزدیک میشود، نوعی احساس غرابت در خواننده ایجاد میکند.» (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۵۳) به همین دلیل، یاحقی، ادیب را جزو شاعران جناح برزخ که «بیشتر فرمالیست و جانبدار صورت و قالب شعرند» میدانند (چون سبوی تشنه، یاحقی: ۵۵) و شفیعی کدکنی نیز وی را از زمره «صورتگرایان عصر مشروطیت» و «شاعران فرمالیست نوپرداز در ایران امروز یا کشورهای مغرب زمین» میدانند که فقط برای «چگونه گفتن» و نه برای «چه گفتن» ارزش قائلند (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ۳۴۸-۳۴۷) و اشعارش را «به لحاظ مسائل مربوط به فرم شعر (هماهنگی سنتی در نظام الفاظ، موسیقی عروضی شعر، توجه به اصول سنتی سبک و طنطنه کلمات) برخوردار از نوعی امتیاز نسبی معرفی میکند. (همان: ۳۴۸-۳۴۹)

***واژه‌ها عربی:** ادیب نیشابوری، در زمره علمای حوزه با تمایلات عربی‌مآبی و آشنایی کامل با شعر و ادب تازی محسوب میشود و همین امر باعث تاثیر بسیار ادبیات عرب در اشعارش خصوصاً در قصاید شده است. او در بهره‌گیری از زبان و ادب عرب، تنها به استفاده از کلمات عربی اکتفا نمیکند بلکه استفاده از آیات و احادیث، سرودن اشعار ملمع، سرودن اشعار عربی، ذکر شخصیت‌های مهم تاریخ و ادب عرب و ... از موارد مهم توجه فراوان شاعر به این زبان و فرهنگ است.

بسامد استفاده از واژه‌های عربی در قصاید ادیب بیشتر از غزلیات است و در قصاید بیشتر در جایگاه قافیه از واژه‌های عربی استفاده میکند. اوج استفاده ادیب از زبان و ادبیات عرب، در قصیده‌ای با نام «قصیده حماسی» است که در آن ترکیبات عربی بر اصطلاحات و لغات فارسی سنگینی میکند و نشان‌دهنده ارتباط ضعیف شاعر با محیط و اجتماع و تصویر گر زندگی محدود وی در میان حجره و کتب رایج درسی در حجره‌هاست:

امر علی رسم ربع الحباب و ابکی علیه بکاء السحاب
نحیل الخواطر، کحیل النواظر ثقیل الذنائب، صقیل التراث،
مجعد نواصی، معقد عقایص مسلسل غدایر، مفلفل ذوائب، (۱۸۲-۱۸۵)

***واژه‌های کهن:** ادیب در شعر فارسی و عربی مطالعاتی عمیق و گسترده دارد و با ظرایف و صنایع صوری و معنوی آن آشناست و در اشعار خویش از این ذخایر به ویژه از ترکیبات و واژه‌های کهن فارسی و کلمات غریب فارسی و عربی استفاده کرده است. قیصر امین‌پور، وی را جزو شاعرانی میدانند که «حتی به اندک تغییری در قالبهای شعری هم تن درندادند و کوشیدند در همان قصاید قدیمی، محتوای اجتماعی و انقلابی با انتقادی نو را بگنجانند و

گاه کلمات فرنگی را هم در بافت فخیم زبان سبک خراسانی وارد کنند.» (سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین‌پور: ۳۰۰)

ادیب به دلیل همین توجهی که به زبان قدما و الفاظ کهنه مورد استعمال ایشان و بعضی مجعولات دساتیر داشته، و مثل بسیاری از قدما و معاصران ما تصور می‌کرده است که لفظ به اعتبار خودش - مجرد از ارتباطی که با اقمار خود دارد - دارای ارزش و تشخص می‌تواند باشد، جانب لفظ را، در همان محدوده خاص، بسیار تقویت می‌کرده است. (با چراغ و آینه، شفیع کدکنی: ۳۵۳) ادیب مانند شاعر معاصر خود، ادیب الممالک فراهانی، رغبتی به استعمال لغات ساختگی دساتیر دارد که با سبک و سلیقه شعری او - که بسیار پایبند به سنت‌های شعری سبک خراسانی است - تناقض دارد. «تاثیرپذیری از فرهنگ دساتیر، صرف نظر از ادیب الممالک و دیگرانی که افراط می‌کنند، در شعر حبیب خراسانی و ادیب نیشابوری هم دیده می‌شود. (ادوار شعر فارسی، شفیع کدکنی: ۳۰)

گروهی از واژه‌های کهن معرفی شهرها و عموماً شهرها حُسن خیز قدیم است: بت روی ختا (۱۲۷)، سرو قدی کاشمیری (۱۳۱)، بت فرخار (۱۳۹)، خوبان طراز و چگل (۱۳۹)، پری روی سمرقند (۱۴۵)، یار نوشادی (۱۴۶)، چراغ ترکستان (۱۵۰)، بت روی طبس (۱۶۰)، ساده روی قراباغی، ترک بچه قفقازی (۱۷۸)، تیره جغتایی (۱۸۸) خوبان خراسان، بارخدای قفقاز (۱۹۱)، خسرو خوبان خزر، (۱۹۲)، عراقی بچه، (۱۹۴)، کودک خزری، ترک تتر، شمع طراز، چراغ غاتفر، آفتاب کاشغر، چرخ ترکستان (۲۰۸) پرنس پروسی، شاهد برلن، آفتاب لندن و پاریس، بت ارمن (۲۱۵)، ساده رویان کشمیری، رومی چهره (۲۱۹)، کاربرد واژه‌های کهن در قصاید (خصوصاً در جایگاه قافیه) بسامد بیشتری دارد: ایاغ، صولجان، اخرس، (۱۷۰)، اغصان، فرغر، شمر، قلزم، (۱۶۹)، قرنقل (۲۱۷)، ابرش، فش، ضیغم، چندن (۲۱۶)، چغانه (۲۱۰)، فریسه (۲۰۸)، آذریون (۲۰۷)، بادافره (۲۰۵)، ارغنده، ریم (۱۹۷)، قویم، بایا، بهمنجه (۱۹۶)، انباز، تمویه (۱۹۵) کشی، انشاد، (۱۹۴)، خاد، سمراد، (۱۹۰)، مشکوی (۱۸۹)، ناژ، ضیغم، ارغنده (۱۸۶)، اروند، آوند (۱۴۵)،

***لغات عامیانه:** باوجود اینکه ادیب بسیار شیفته و پایبند کلام فاخر و واژه‌ها اصیل ادبی است، اما گاه تحت تاثیر روند رایج عصر خود، از واژه‌ها عامیانه استفاده می‌کند. زلف هر روز چه پیرایی و پرواز دهی (۱۸۸) دست یازیده ز ره نامده زی جام نبید (۲۰۵) هرچه داری برون کنی ز بغل (۲۱۳) شیخنا! مال تو مگر مفت است (۲۱۴) ما به یک خمیازه آن هر هفت را یکجا ز نیم (۲۱۷) آن که پا بگذاشت بر جایی که حق بگذاشت دست (۲۲۰) لیک تانم از این دامها چون (۲۲۳)

***ترکیبات:** شعر ادیب تقلیدی از اشعار سبک خراسانی است و طبیعی است که ترکیبات مورد استفاده در اشعارش نیز تکراری و تقلیدی باشد. اما گاه ترکیبات جدیدی در

اشعارش دیده میشود. ترکیبات موجود در اشعارش را میتوان به ترکیبات عاشقانه، عارفانه و عالمانه دسته‌بندی کرد: قسیس کلیسای وجود، (۱۳۰) ، برگساز، مشکوه دل، (۱۳۴)، گنبد نه توقیب (۱۳۶)، ثغر چمانی، دیو گشانی، چشم سیه چشمه چشم (۱۷۱) دار دردانگیز، آستان آیت العظمای حق، غایه القصوای آمال، (۱۴۳)، کمون ذات، مرآت صفات، (۱۵۵)، جان أوبار (۱۵۷) کشور جمع الجمع، لشکر فرق الفرق (۱۵۸)، کاخ نه توی سپهر (۱۶۰)، مغتراش، کهنه رند سینه چاک، (۱۶۱)، اشراق بام ازل، اطلاق دام دُول، (۱۶۹)، میزان غیب الغیوب دل، خورشید شرق شهود هو، ناطق سبع المثنی، مرغ زبان دان باغ هو، (۱۷۰) مطرب لاهوتی (۱۷۳) ساده مینو روی، تشنه بطحایی (۱۷۴)، پویاپوی، تاز آتاز (۱۹۴)، پادشاه زمین فنا، خسرو آسمان بقا، (۲۲۲)، ایزد آوا، مردم گلو، غبرا ردا، لاهوت‌خو (۲۲۵)، و...

۴-۵- نحو و دستور زبان

ساختهای کهن در اشعار ادیب به لحاظ آشنایی او با متون گذشته و تأثیری که از سازو کارهای شعر گذشته پذیرفته، بسیار متنوع و گسترده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره میشود:

*** کاربرد انواع «را»:** چه اندازه به هم انس بود شاه و گدا را (۱۲۷) هم او را بستایید، خدا را، نه صبا را (۱۲۸) کمشب این پروانه را سوز و گدازی دیگر است (۱۳۴)، آسمانی ست خرابات مغان را، ای دل (۱۳۵)، خدای را ز تو بر من عنایتی است بزرگ (۱۴۶) شهریاران کهن را سده جشنی است بزرگ (۱۸۷)، آشکارا کنم آن راز نهانی که توراست (۱۹۲)، آشتی را ز در حجره فراز آمد باز (۱۹۴)، بزم را آدین بندیم به آیین قدیم (۱۹۶)، روز را دلق پوش و سبحه به دست (۲۱۳) و...

*** کاربرد «نه» یا «نی» برای منفی کردن جمله:** نی نی، خون سیاوشم نبرد غم (۲۱۶) نی از گلوی خواجه و خواجهی (۲۱۰) نه دل رزم و سر بزم و نه شطرنج و نه نرد (۱۹۹)، چرا چگونه نه بر کام ماست گردش چرخ (۱۲۹)،

*** کاربرد فعلهای دعایی:** کاش سوداش به دل نیز مرا ناماناد (۱۹۰)، هرگز ایزد لب من را به سخن نگشایاد (۱۹۰)، آن که چون اوست کجا یکدل و یکرو پایاد (۱۸۹)، و...

*** کاربرد «مر» به همراه «را»** مر خطیبان را زیب خطیبیم (۱۶۶) که مر مراست بسی بر تو ای پسر! پدری (۲۰۹) و...

*** افزودن «ی» نکره به «یک»:** نه یکی ساده بت رو، نه یکی خواجه راد (۱۹۹)، هم ز کار تو یکی دیوان پردازم باز (۱۹۲)، دل من چندی زین پیش یکی دلبر داشت (۱۸۹)، یکی آسمان بینی از نفع کو را (۱۸۵) و...

*جهش ضمیر: اگر فسون رقیب از منت جدا نکند (۱۴۶) تا دل به مهر روی توام زنده است (۱۸۶)، نه همین تنها گفت منش آگاه نکرد (۲۰۰)، منت به از پدر و تو مرا به از پسری (۲۰۹) و...

*ساخت متمم با دو حرف اضافه: به خُم اندر (۲۱۶) به شعر اندر (۱۹۱)، به شگفت اندر (۱۸۸)، به زیر اندر (۱۸۵)، و...

*کاربرد افعال پیشوندی: فراز آرز (۲۱۷)، فراز آمد (۱۹۴) درآیی (۱۸۰)، فراز آی و فراز آور (۱۹۳)، و...

*حذف فعل: گاه در وادی نفی: شیدا (۲۲۵) / سرو او: سرو قد و سنبل او: سنبل زلف (۲۰۲)، لب: شیرین شکرو زلف: دو تا نافه مشک (۱۹۱)، بی جلوه آن دو روی زیبا/ تاریک: دو چشم روشن من (۱۷۵)، کوه ما: سینمه‌ما، ناخن ما: تیشه ما (۱۲۶)

*تشدید کلمات: موی من نوز بود تیره تر از پر عقاب (۱۹۵) گردی از خاک فنا بر خُم می خواهیم زد (۱۴۳)،

*افزودن «ه» به آخر کلمات مختوم به مصوت بلند «آ»: دوتاه (۲۳۴)، واه (۲۰۴)،

*کاربرد خاص اعداد: ماه دو هفت، (۱۷۸ و ۱۴۸) مردم هفتادی (۱۷۷)،

۴-۶- صور خیال و آرایه‌های ادبی:

شعر ادیب در حوزه صورخیال از برجستگی خاصی برخوردار نیست و با توجه به اینکه از سبک خراسانی تقلید میکند سعی کرده زبان و اندیشه خود را به سطح آن شاعران برساند. لذا در حوزه به کارگیری صورخیال در بیشتر موارد به ارائه تصاویر تکراری پرداخته است. ادیب از میان عناصر چهارگانه بیانی به تشبیه بیشتر از سایر عناصر توجه نشان داده است و کم‌رنگترین عنصر بیان و آفرینش تصاویر هنری مجاز است که بیشتر با علاقه حال و محل ساخته شده است.

صور خیال	تشبیه	استعاره	کنایه	مجاز
درصد	٪۶۷	٪۱۵	٪۵	٪۳

*تشبیه: از آنجا که وی بیشتر در قالب غزل و قصیده شعر سروده و استفاده از تشبیه و وصف در این دو قالب کاربرد بیشتری دارد، بنابراین عنصر برتر تخیل در اشعارش تشبیه است. در تشبیهات ادیب، عناصر طبیعی بیش از سایر عناصر خودنمایی میکند و از اشعارش مشخص است که وی به طبیعت و عناصر آن توجهی بسیار دارد.

تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن طرفین:

نوع تشبیه	حسی-حسی	عقلی-حسی	حسی-عقلی	عقلی-عقلی
درصد	٪۳۶	٪۵۸	٪۵	٪۱

تشبیه عقلی به عقلی در دیوان ادیب دیده نشد. شاید دلیل آن پیروی و تقلید وی از شاعران سبک خراسانی است که دارای روحیه برونگرا و شاد داشتند و کمتر به امور انتزاعی و عقلی توجه میکردند.

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه

نوع تشبیه	بلیغ	مجمل	مفصل	مرسل	موکد
درصد	٪۳۶	٪۱۲	٪۱۴	٪۳۳	٪۶

از دیدگاه ذکر و حذف ادات و وجه شبه، تشبیهات بلیغ و مرسل بیش از سایر تشبیهات در اشعار وی دیده میشود و تشبیه بلیغ نیز بیشتر در شکل اضافه تشبیهی نمود یافته است. در تشبیهات بلیغ، تازگی و ابتکار خاصی دیده نمیشود و روح و فضای سنتی بر آنها استوار است. مصر فقر و فنا (۱۶۴) دایره هستی (۲۳۲)، صحرای الآ، دریای لا، (۲۲۵)، خرگه مهر و وفا (۲۲۰) زال غم (۲۱۵)، رعدۀ حیرت، نومۀ جهل، نعسۀ غفلت (۱۹۹)، بام الآ، دام لا، (۱۸۰)، رویین تن بخت، رستم هوش، بهمن عشق، زال سپهر (۱۷۶)، ناقوس انالحدق، کوس وحدت، خیمۀ جهد و طلب، صُقع لا، خورشید هستی، آسمان نیستی (۱۷۲) صقع فنا (۱۲۷) حدیقه قدس (۱۲۹) کلیسای وجود، (۱۳۰) هیولای تصوف (۱۴۲) فلزم کشف و شهود، (۱۴۳) و...

تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین: غالب تشبیهات ادیب از نوع مفرد به مفرد است.

نوع تشبیه	مفرد- مفرد	مفرد- مرکب	مرکب- مفرد	مرکب- مرکب
درصد	٪۹۳/۳۶	٪۲/۲۸	-	٪۱/۲۴

تشبیه به اعتبار تعدد طرفین

نوع تشبیه	مفروق	ملفوف	جمع	تسویه
درصد	٪۳۷	٪۱۳	٪۲۶	٪۶

ادیب از این دیدگاه شاعری ضعیف است زیرا تشبیهات جمع و تسویه کاربرد چندانی در اشعارش ندارند.

اقسام دیگر تشبیه

نوع تشبیه	مضمّر	مشروط	تمثیل	تفضیل
درصد	٪۶	٪۳	٪۱۱/۸۶	٪۶

*استعاره: تقلید از سبک خراسانی و بخصوص اشعار فرخی سیستانی باعث شده که استعاره در اشعارش بسامد چندانی نداشته باشد:

نوع استعاره	استعارۀ مصرحه	استعارۀ مکنیه
درصد	٪۶۷	٪۳۳

استعارهٔ مصرحه: ادیب در استفاده از استعارهٔ مصرحه، گرایش فراوانی به عناصر طبیعی دارد و در وصف آنها را به کار می‌گیرد. تقلیدی و کلیشه‌ای بودن استعارت اشعار ادیب نیز نکتهٔ دیگری است که باید بدان اشاره کرد.

نوع استعاره	مصرحهٔ مطلقه	مصرحهٔ مرشحه	مصرحهٔ مجرده
درصد	٪۲۸/۲۸	٪۲۳/۱۱	٪۴۸/۶۱

***استعارهٔ مکنیه:** در استعارهٔ مکنیه، عناصر طبیعی و معنوی در قالب تشخیص به کار گرفته شده‌اند و در بسیاری از موارد آنها را به شکل اضافهٔ استعاری به کار برده که در این نوع استعارت سهم عناصر عقلی به مراتب بیشتر از عناصر طبیعی است. پشت کفر (۲۲۰)، پای عزت (۲۲۰)، گردن دل، بُن غم (۱۷۴)، بازوی فقر (۱۷۱)، گوش گردون (۱۲۹)، و...

استعارهٔ مکنیه	غیر اضافی	اضافی
درصد	٪۳۶/۶۱	٪۶۳/۳۹

***کنایه:** به دلیل تسلط فوق‌العادهٔ ادیب بر تاریخ و فرهنگ گذشتهٔ ایران و عرب، در اشعارش انواع کنایات سنتی را به کار می‌گیرد و سادگی و آسانی کنایات بگونه‌ای که مخاطب برای دریافت معانی ثانوی کلام با دشواری مواجه نمیشود و روی هم‌رفته سادگی و تقلیدی بودن را میتوان از ویژگی عمدهٔ کنایات در اشعار او دانست. کنایاتی مانند: ژاژخایی (۲۲۶)، نماز آوردن (۱۹۵)، نماز بردن (۱۹۳)، پهلوی زدن (۱۹۵)، ساز کردن (۱۹۴)، پشت پا زدن به چیزی، آستین افشاندن، سنگ بر آینه زدن (۱۷۲)، دست کوتاه کردن، بی سر و پا (۱۲۷) لوا زدن (۱۴۳)، خانه به دوشی (۱۴۵)، کج کردن عمامه (۲۱۳) آتش به خیمهٔ رستم زدن (۱۷۳ و ۲۱۶)

نوع کنایه	کنایات فعلی	کنایه از صفت	کنایه از موصوف	
بسامد	٪۷۶/۱۶	٪۱۳/۵۶	٪۱۰/۴۴	
نوع کنایه	ایما	رمز	تعریض	تلویح
بسامد	٪۸۱	٪۱۴	٪۵	٪۱

***ایهام و انواع آن:** بر لب دوست خطی تیره کشیدند ادیب (۱۴۵)، ما بدان قامت و بالا نگرانیم هنوز (۱۵۳) شیخ راز اگر جویی گام در شبستر زن (۲۳۴) بر زال سپهر بهمن من (۱۷۶) جز بر اوج حقیقت مجازم (۲۲۲) بیگانه از تبارم و از خویشم (۱۶۲)، با بهین خوبی محمودتر از خوی ایاز (۱۹۵) عرض جوهر انگور صداع ست و خمار (۱۳۳) زهره در چرخ برین مشتری ساغر ماست (۱۳۳) و...

*** تلمیح:**

تلمیح به احادیث و قرآن: چو گفتیم بلی و گفت الستیش هم اکنون.../ (۱۲۸)، معنی نصر من الله، فاتح فتح قریبم (۱۵۵)، گیتی چو یکی مردار، (۱۵۷)، رنگ جاویدی ادیبا! صبغه الله است و بس/ (۱۷۲)، چون الستش را «بلی» گفتیم اکنون بر بلاش.../ (۱۷۲)، با گروهی که ندانند ز «طاسین» «حامیم» (۱۹۹)، برد از یاد که و مه سخن کهن و رقیم (۲۰۰)، حیدر صفدر که شهر علم احمد را در است (۲۱۹)، آیت الله قل انما یم (۲۲۳)، گه امیر خطاب الستم، گه فقیر جواب بلی یم (۲۲۴) / **تلمیحات اساطیری:** (۲۳ مورد) بهم (۱۷۳)، ۱۷۶، ۱۹۵، ۲۱۵، (۲۱۵)، افراسیاب (۱۵۹، ۱۷۶، ۱۷۹)، رستم (۱۷۶، ۲۱۶)، پشتون (۱۷۳، ۱۹۵)، جمشید (۱۸۷، ۲۱۹)، سیاوش (۱۷۹، ۲۱۶)، ضحاک (۲۱۵)، زال (۲۱۵)، بیژن (۲۱۶)، آرش (۲۱۶)، کاوه (۲۱۵)، قباد (۱۸۷)، کیخسرو (۲۰۰)، هژیر (۲۱۶) / **تلمیح به داستان پیامبران:** (۱۵ مورد) : موسی (۱۶۰، ۱۹۶، ۱۶۳، ۲۲۰، ۲۲۴)، عیسی (۱۴۲، ۱۹۶، ۲۲۰، ۲۲۴) یوسف (۱۶۴، ۱۸۸، ۲۱۳)، یعقوب (۲۱۳)، شعیب (۱۶۰)، زردشت (۲۲۴) / **تلمیحات غنایی:** (۱۶ مورد) : فرهاد (۱۲۶، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۸۹)، ایاز (۱۵۱، ۱۹۲، ۱۹۵)، محمود غزنوی (۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۸)، سبکتکین: محمود (۱۵۱)، شیرین (۱۲۶، ۱۴۷)، منیژه (۲۱۶)، لیلی (۱۴۶)، مجنون (۱۶۱) / **تلمیحات غیر اسلامی و تاریخی:** (۱۸ مورد): خسرو پرویز (۲۱۵)، انوشیروان (۱۹۹)، اسکندر (۲۱۸)، دارا (۲۱۸)، بولهب (۱۶۶)، بلقیس (۲۱۵)، رای (۲۰۰) دابشلیم (۲۰۰)، حلاج (۱۴۲)، افلاطون (۱۵۶) بوریحان (۲۰۱)، هلاکو (۲۱۰)، بودلف (۲۰۰) ایاس (۲۰۰) سبحان (۱۶۹)، قص (۱۶۹)، سنجر (۱۸۶)، بدر مقنع (۱۷۳) / **تلمیح به شخصیت‌های دینی:** (۵ مورد): علی (ع) (۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰)، خضر (۲۷۱)، جادوی بابل (۱۵۰) بوحنیفه (۱۹۸)

نوع تلمیح	احادیث و قرآن	اساطیری	غیر اسلامی و تاریخی	داستان پیامبران	غنایی	شخصیت‌های دینی
تعداد	۱۰	۲۳	۱۸	۱۵	۱۶	۵

*** لف و نشر:** گاه در زلف و گه به چاه ذقن طی کند روز و شب، نشیب و فراز (۱۵۲) دستی ده و جامی ده، بوسی ده و کامی ده در دسر و زخم دل درمان کن و مرهم زن (۱۷۳)

بالای دراز و گیسوانش شمشاد من است و لادن من (۱۷۵)

خورشید نیکوان و به روی و موی روز و شب سپندی و خردادی (۱۷۷)

***پارادوکس:** گرچه بیگانه‌ام، آشنایم (۲۲۲)، در مکانم ولی بی‌مکانم (۲۲۲) بازوی توانایی فقر (۱۷۱)، من گدای شاه سیرم، من فقیر بی‌نیازم (۱۶۱)، من از پس صدپرده پیدا و پدیدارم (۱۵۷)، بالای تو ای دوست، بلا هست و بلا نیست (۱۳۸) و...
***ضرب‌المثل:** شمال از جانب بغداد خیزد / گناه مردم شط العرب چیست؟ (۱۳۷) ندهد سودی از سال گذشته تقویم (۲۰۱) رفتند به جایی که عرب نی انداخت (۲۳۰) رفت و غافل زان که در عقرب قمر دارد همی (۲۲۱)

نتیجه‌گیری

ادیب نیشابوری، شاعری توانا در دوره مشروطه است که میتوان وی را از بازماندگان و دست‌پروردگان مکتب بازگشت ادبی یا دوره تجدید حیات ادبی دانست. او با داشتن زبانی طبیعی و ساده در شعر، پیرو سبک خراسانی است و به شیوه فرخی و منوچهری شعر گفته است و با کاربرد انواع تشبیهات و استعارات و استشهاد به آیات و احادیث و لغات مهجور و اصطلاحات علوم مختلف از پیروان سبک عراقی است. وی در اشعارش تمامی موازین و اسلوب شعر کهن فارسی را رعایت میکند و در واقع اشعارش چیزی جز تقلید آثار پیشینیان نیست. زبان شعری وی کهن، با جزالت و رسمی است و طبیعی است که برخلاف شاعران عصر خود، از ترکیبات و اصطلاحات عامیانه و کلمات جدید بهره کمی برده و واژه‌ها و ترکیباتی را که پارسی اصیل و ناب هستند مورد استفاده قرار دهد. احاطه بی‌مانند وی به ادب عربی و اشعار جاهلی و آگاهی‌اش از علوم مختلف و حافظه‌ای شگرف از اشعار عربی و پارسی، توجه به زبان عرب، به همراه استفاده از کلمات کهن و نامانوس زبان فارسی و کاربرد اصطلاحات و مفاهیم علوم مختلف، گاه فهم اشعارش را مشکل نموده است.

از نظر موضوع، موضوعات عشق و عرفان دو موضوع اصلی در اشعار وی هستند که عرفان و تصوف ادیب، عرفان و تصوف تجربی نیست. بیشترین صور خیال در اشعار تشبیه است و مجاز در اشعار ادیب کاربرد چندانی ندارد و بیشتر با علاقه حال و محل ساخته شده است. اغلب استعارات موجود در دیوان وی، کلیشه‌ای هستند که در دیوان شاعران پیشین نمونه‌ای فراوانی دارد. کنایه ایما نسبت به سایر انواع کنایه در اشعار ادیب به کار رفته است.

منابع

- ادبیات نوین ایران (۱۳۶۳) آژند، یعقوب، چاپ اول، تهران: امیرکبیر
- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت (۱۳۸۳) شفیع کدکنی،
محمد رضا، چاپ دوم، تهران: سخن

- از صبا تا نیما (۱۳۷۵) آرین پور، یحیی؛ جلد دوم، چاپ ششم؛ تهران: انتشارات زوار
- ادیب نیشابوری، در حاشیه شعر مشروطیت (۱۳۵۴) شفیعی کدکنی، محمدرضا؛
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۱، شماره ۲، شماره
مسلسل ۴۲، صص ۱۸۶-۱۶۹
- با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران) (۱۳۹۰) شفیعی
کدکنی، محمد رضا؛ تهران: سخن
- برگهایی در آغوش باد، (۱۳۷۸) یوسفی؛ غلامحسین، چاپ سوم؛ تهران: انتشارات علمی
- چون سبوی تیشه (تاریخ ادبیات معاصر فارسی) (۱۳۷۷) یاحقی، محمدجعفر، چاپ
هفتم، تهران: انتشارات جامی
- خطابه ادبی (۱۳۰۵) بامداد، محمدعلی؛ مجله ارمنان، سال هفتم، شماره اول: صص ۳۹-
۵۱
- سبک شناسی (۱۳۵۵) بهار، محمدتقی، چاپ چهارم، تهران: کتابهای پرستو
- سنت و نوآوری در شعر معاصر (۱۳۸۴) امین پور، قیصر؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات
علمی و فرهنگی
- شعر گفتن و شناختن (۱۳۰۱) ادیب نیشابوری، عبدالجواد؛ مجله دبستان، مشهد،
شماره اول، سال اول، صص ۳۲-۳۴
- شعر معاصر ایران؛ از بهار تا شهریار (۱۳۷۵) محمدی حسنعلی، چاپ سوم، اراک:
ارغنون
- زندگی و اشعار ادیب نیشابوری (۱۳۶۷) جلالی پندری، یدالله؛ چاپ اول، تهران: چاپ
و نشر بنیاد
- عروض فارسی (۱۳۷۳) ماهیار، عباس، تهران: نشر قطره
- لآلی مکنون (۱۳۳۳) ادیب نیشابوری، عبدالجواد؛ به کوشش عباس زرین قلم خراسانی،
مشهد بی جا
- مدارس قدیم و شیوه تدریس آنها (۱۳۵۳): گنابادی، محمد پروین؛ مجله سخن،
دوره ۲۴، شماره ۲: صص ۱۵۵-۱۶۶
- المعجم فی معاییر اشعار العجم (۱۳۶۰) رازی، شمس الدین محمدبن قیس؛ تصحیح
محمد قزوینی و تصحیح مجدد مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: زوار